

انتشارات ملک اعظم

عاکف، سعید
جای خالی خاکریز، مصاحبه و تألیف: سعید عاکف. -- مشهد،
مؤلف: ۱۳۸۷. ۲۰۸ ص.

ISBN 964-92310-5-1

تصاویر: ۲۰۰ - ۲۰۸

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. سلطانی، محمد حسین. -- خاطرات. ۲. جنگ ایران و عراق،
۱۳۵۹-۱۳۶۷. -- خاطرات.
الف. عاکف، سعید. ب. عنوان.

۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

DSR ۱۶۲۹ع۲ج۲

جای خالی خاکریز

خاطره: جانناز شیمبایی محمدحسین سلطانی

مصاحبه و تألیف: سعید عاکف



انتشارات ملک اعظم
www.molkaazam.com

جای خالی خاکریز

سعید عاکف

نوبت چاپ: سوم، پاییز ۱۳۸۸

شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۲۳۱۰-۵-۱

تلفن نویسنده: ۰۹۱۵۱۱۳۳۹۴۷

پست الکترونیک: molkaazam@hotmail.com

وبسایت: www.molkaazam.com

هرگونه نقل و برداشت منوط به اجازه کتبی از ناشر می‌باشد

تلفن‌های مرکز فروش برای سراسر کشور: ۰۹۱۵۵۲۱۲۵۴۹ / ۰۵۱۱-۷۲۴۶۱۶۹

مشهد مقدس، صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۴۷۶

فهرست

۷	به جای مقدمه
۹	تقدیم‌نامه
۱۱	گروه سی نفره
۱۴	توطئه به خصوص
۲۰	شهادت من
۲۲	آخرین سطر وصیتنامه
۲۸	دیدار با چمران
۳۰	شناسایی دقیق
۳۳	یک تصویر ناب
۳۶	راز انفجار
۳۸	تک سنگین
۴۱	یک ضیافت ملکوتی
۴۷	خُلد برین
۵۴	میزبان‌ها
۵۷	رزمنده‌ای که سنگر نداشت
۶۱	بهترین دلیل
۶۳	اولین و آخرین عکس یادگاری
۶۷	خاطرات آسمانی
۶۹	بچه‌های سخت‌کوش کویر
۷۶	از گنجینه خاطرات جنگ
۸۰	راه
۸۳	بشر مافوق
۸۵	توقف عملیات
۸۷	استقبال باشکوه
۹۲	نجوا

۹۴	هدیه الهی
۹۷	مسجدی در زیر زمین!
۱۰۰	زینلی
۱۰۴	اسیر آبی
۱۰۷	غروب سرخ
۱۱۲	موتورسواری شبانه
۱۱۴	دفاع به اصطلاح متحرک
۱۱۶	اوج مظلومیت
۱۲۱	پیروزی خیالی
۱۲۵	غنیمت معنوی
۱۳۱	وضعیت خاص
۱۳۳	کتاب کهنه جنگ
۱۳۶	کلت ، عکس ، و افسار اسب
۱۴۰	عکس‌های خونین
۱۴۳	شهادتی که از دست امام شریعت نوشید
۱۴۷	تبرک
۱۴۹	استاد اکبر
۱۵۴	بازی با مرگ
۱۶۱	لحظه‌های التهاب
۱۷۰	مسافرت خانوادگی
۱۷۳	مأموریت بی‌سابقه
۱۷۸	جاده‌ای در حد بخور و نمیر
۱۸۲	قدردانی
۱۸۴	تپه‌ماهورها
۱۸۸	طعمه عالی
۱۹۱	مظلوم
۱۹۵	لحظه‌های خونین

هو الله العلی الاعلی به جای مقدمه

مدت‌هاست که خیلی‌ها داریم سراغ از آثار جدید این جانب می‌گیرند، و منتظر چاپ و نشر آنها هستند، و این حقیر با این که آثار تألیف شده زیادی دارم، اما به خاطر مشغله‌ها و درگیری‌های فراوانم، موفق به چاپ آنها نگردیده‌ام، و در نتیجه شرمنده این عزیزان شده‌ام که؛ همواره با اظهار لطف‌های بیکران خود بنده را مورد عنایت قرار داده‌اند.

بالآخره به لطف و مدد مولا این مهم به وقوع پیوست، و در این ایام، پای اولین اثر از مجموعه آثار چاپ نشده‌ام، به عالم لایتناهای چاپ و نشر کشیده شد.

نگارش اولیه کتاب جای خالی خاکریز در دی ماه سال هفتاد و هشت به اتمام رسید، که مقارن بود با ایام الله ماه مبارک رمضان؛ و باز نویسی و ویرایش مجدد آن، در همین ماه‌های اخیر صورت گرفت.

این کتاب، مربوط به خاطرات زیبا و خواندنی برادر ارجمند و بزرگوارم، محمد حسین سلطانی است. ایشان از یادگاران ارزشمند دوران دفاع مقدس، و از خیل شهدای زنده و جانبازان شیمیایی ما باشند. انصافاً

برخی از این خاطرات، از جهت زیبایی و جذابیت معنوی، انسان را تا مرز مدهوشی و از خودبیخود شدن پیش می‌برد!

آقای سلطانی با این که علاوه بر مجروحیت‌های دیگر، جانباز شیمیایی هم هست و سال‌هاست که دردهای طاقت‌فرسای ناشی از این مسمومیت هدیه تکنولوژی بشر متمدن (۴) را تحمل می‌کند؛ اما همچنان پرتلاش و بانرزی در جبهه‌های گوناگون دفاع از کیان اسلام و انقلاب، حضور دارد.

با شما عزیزان خواننده حرف برای گفتن زیاد دارم، ولی این صحبت‌ها را موکول می‌کنم به وقت و زمان دیگری. امیدوارم به لطف و عنایت وجود مقدس حضرت صاحب‌الأمر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) این کتاب هم در راستای خدمت به مذهب بی‌بدیل اهل بیت (علیهم‌السلام) بتواند گامی و قدمی بردارد، و به برکت خودشان، باعث تأثیرگذاری و راه‌گشایی شود.

راستی تا یادم نرفته بگویم که؛ منتظر مجموعه خاطرات شگفت هم باشید؛ إن شاء الله به زودی، چند جلد از این مجموعه به دست چاپ و نشر سپرده خواهد شد؛ خواندن آنها حتماً شگفت‌زده‌تان خواهد کرد!

سعید عاکف، مشهد مقدس

آبان ۱۳۸۷

تقدیم‌نامه

همه می‌دانند حقیر تا به حال اهل تقدیم‌کردن کتاب به این و آن نبوده‌ام؛ اما اکنون برای اولین بار - و به احتمال قوی برای آخرین بار - دوست دارم این کتاب را تقدیم کنم به جوان لایق و شایسته‌ای که اگر در این مملکت، آن طور که باید، به او و امثال او میدان داده می‌شد، یقیناً اوضاع فرهنگی ما خیلی بهتر از آن چیزی بود که امروزه دست به گریبانش هستیم، و شاید دیگر لازم نبود که این کلمهٔ مقدس، واژهٔ مظلوم را با خودش یدک بکشد؛ مجله‌ای که این جوان در روزگاری بیش تحت نامی، و امروزه تحت نامی دیگر درمی‌آورد؛ مرا یاد مجلهٔ سوره فعلی و مرا یاد حوزهٔ هنری و برخی دست‌اندرکاران آن نمی‌اندازد، بلکه مرا یاد مجلهٔ سوره‌ای می‌اندازد که سید شهیدان اهل قلم سردبیر آن بود؛ سید بزرگواری که فرهنگ را به معنای حقیقی آن می‌شناخت و درک می‌کرد.

این حرف از سر بی‌اطلاعی و ناآگاهی است که بعضی‌ها می‌گویند هر سبب، چهارصد سال، یک نفر مثل آوینی می‌آید! باور کنید ما در این مملکت آوینی زیاد داریم، ولی آقایانی که این آوینی‌ها را برتنبند و آن‌ها را بفهمند و به آن‌ها میدان بدهند، کم داریم؛ درست مثل همان زمانی که شهید آوینی چند روزی میهمان دنیای خوار و حقیر امثال این آقایان بود، و خدا می‌داند این آقایان چه رفتارهای

نسنجیده و دور از انصافی با آن عزیز داشتند.

خدا طول عمر با عزت به رهبر فرزانه ما بدهد که اگر نبود سایه حمایت ایشان بر سر این بچه‌ها، خدا می‌داند سر و کار آنها به چه ناکجاآبادهایی می‌افتاد! بگذریم...

و اما! این کتاب را تقدیم می‌کنم به وحید جلیلی و دوستان او که با تمام وجود در جهت حفظ ارزش‌های نظام و انقلاب می‌کوشند و دل می‌سوزانند.

حتماً مشترک مجله راه بشوید؛ منهای بعضی کمبودها و نقایصش، کار بسیار ارزشمند و کم‌نظیری است، و مطالب جذاب و خواندنی، از آن نوعی که شما خوانندگان عزیز دوست دارید، فراوان در آن پیدا می‌شود.

تلفن‌های مجله، جهت اشتراک:

۰۹۳۵۶۳۳۹۸۲۵ ؛ ۰۲۱۶۶۹۶۸۸۹۷-۸